

متن پرسش

سلام علیکم خدمت استاد عزیز: در بحث کتاب انسان و باز انسان بحث حضور انسان نزد خودش و بی تفاوت نبودن به حقایق هستی و خودبنیاد نبودنش با عین الربط بودن و جناب صدرا و حضور تاریخی با انقلاب اسلامی مطرح هست. می‌خواستم بحثی را مطرح کنم که چه فقهی مدنظر هست برای انسان در این دوران؟ چگونه می‌شود فقه در این سه مسئله حضور نزد خود و خود بنیاد و بی تفاوت نبودن و حضور تاریخی ایفای نقش کند. آیا باید فقه و اصول که مقام معظم رهبری هم خیلی روی آن تاکید داشتند متحول شود؟ و سوال دیگر این هست با چه رویکردی باید نظر داشت؟ مثلاً مسئله اقتصاد را چگونه می‌توان از دید فقهی مدنظر داشت که نه مانع حضور انسان نزد خودش شود و هم ضامن حضور تاریخی باشد هم نسبت به اسما و نظام عالم بی تفاوت نباشد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عنایت داشته باشید همان‌طور که در ابتدای هر رساله عملیه که فقه‌های بزرگوار بر مبنای فقه نظر داده‌اند مطرح است که هرکس خودش باید در عقاید حاضر باشد و نمی‌شود در عقاید مقلد بود. و فقه در رابطه با احکام شرع با ما گفتگو دارد که مثلاً نماز خود را چگونه باید بخوانیم. و البته هر اندازه در معارف توحیدی عمیق‌تر باشیم، آن عمل وقتی مطابق آن احکام انجام شود، مؤثرتر خواهد بود. احکام اقتصادی هم به عنوان رعایت حقوق فرد و جامعه با زیربنای توحیدی عمیق‌تر رعایت می‌شود. موفق باشید